

طریق مقاصد جنگی و برضد حیات بشری بکاررفته و از نتایج زحمات ایشان سوء استفاده شده است . معینا چنان مینماید که چاره‌ای از دست دانشمندان ساخته نبوده و نیست و اصل فوق صحیح و صادق است که علما همیشه در خدمت طبقه زیرک و زبده قرار گرفته‌اند.

(۲) در پاسخ این پرسش که طبقه زبده چه میبرد؟

لاسول میگوید: مزایا و نعمات ما که آنها را ارزش‌ها (۱) اصطلاح

میکند ، « کلابهره و نصیب طبقه زبده یا حاکمه است »

آنگاه مزایا و نعمات را سه جزء تقسیم میکند و شامل این سه چیز

میداند :

اول احترام (۲)

دوم) عایدی یا ثروت (۳)

سوم) خاطر جمعی و امنیت یا آرامش خاطر (۴)

گوید : « اختلاف در تقسیم سه عنصر بالا مقیاس و سطح سنجش

(۵) قوای طبقه زبده و میزان قدرت (۶) آنها را نسبت به توده معین میکند...

و دیگر آنکه اوضاع و احوال و تغییرات در روابط عناصر بالا بایکدیگر ، مؤثر

در مقدار قدرت طبقه مزبور است و همچنین زمان و مکان نیز مؤثر در

تعیین مقدار این قدرت خواهد بود . در کشورهای مختلف و محیط های

Values (۱)

Deference (۲)

Income, Wealth (۳)

Safety رجوع شود بکتاب سیاست صفحه ۳ (۴)

Criteria (۵)

Authority (۶)

متنوع و ادوار مختلف نیز این روابط فرق میکند ولی اصول همیشه یکی است و تغییر ناپذیر ولو آنکه کلمات و اصطلاحات تغییر کند.

لاسول در باب اختلاف در توزیع تمول بطور مثال میگوید:

« در سالهای بین ۱۹۱۸ و ۱۹۲۶ طبق آمار رسمی ده درصد از جمعیت

مردم کشورهای متحده امریکا مالک يك ثلث عایدی نقدی ملی یعنی صاحب ثلث عایدات تمام کشور گردیده اند » و نیز اشاره میکند که در کشورهای غرب اروپا عایدی و تمول بر اساس عدالت و انصاف توزیع نشده است. (۱)

لاسول نکته دیگری را نیز در تحلیل مسئله مزایا یا ارزشها مورد

بحث قرار داده و آنرا هوش مبارزه یا بصیرت یا استعداد در مبارزه

(۲) مینامد و میگوید: « استعداد مبارزه یکی از مستقیم ترین طرق ترقی

افراد طبقه زبده و نیل ایشان بدرجات عالیه است اعم از اینکه این مبارزه

باسم خدا و مذهب یا ملت و وطن یا بنام طبقه دیگر انجام پذیرد.... ارزشها

بمنزله خوان یغمائی است گسترده که هر کس استعداد و هوش مبارزه اش

بیشتر است از آن خوان یغما بیشتر نصیب میبرد. اما در مسئله عنصر خاطر جمعی

یا نیت، لاسول آماری از زمامداران و پادشاهانی از کشورهای مختلف و

متعلق به ادوار مختلف که از طریق طغیان و شورش حیات خود را از کف

داده اند بدست میدهد.

لاسول علاوه بر هوش مبارزه، تقسیمات و انواع دیگری نیز برای

هوش قائل میشود که از آن جمله است هوش یا استعداد ایجاد تشکیلات،

(۱) کتاب سیاست صفحات ۵ و ۶ فصل اول

استعداد در نطق و بیان . استعداد فنی که خاص صاحبان فن و صنعت است مانند استعداد مهندسی و انجام کارهای دستی . استعداد تهیه تقریرات و اداره مراسم و تشریفات . استعداد بکار بردن شعارها و تحریک احساسات مردم ، استعداد در فن شورش و طغیان ، استعداد در تبلیغات . هوش و استعداد شایسته تحلیل مسائل ، استعداد چانه زدن ، استعداد در طرز سلوک با اشخاص .

وی در باب رابطه هوش با طغیان و شدت عمل (ویولانس) نیز بحث میکند (۱)

(۲) در پاسخ پرسش سوم که طبقه زبده چگونه میپرد؟

گوید: طبقه زبده در بودن مزایا و نعمت‌ها روش خاصی دارد (۲) و روش طبقه زبده شامل چهار عنوان است بشرح زیر:

اول شعارها (۳) که آنرا شامل عقاید (۴) و اطوار (۵) و الفاظ و کلمات مجاز دانسته گوید طبقه زبده بنام شعارهای مربوط بسرنوشت مشترک عمومی از خود دفاع میکند و موقعیت خود را مستحکم مینماید . این شعارها عبارتند از عقاید مربوط به نظم موجود (ایدئولوژیها) طبقه زبده با استعمال کلمات و الفاظ مجاز و اطوار خاص (مانند اشارات بادست و سر در هنگام نطق و سخن گفتن و پاسخ دادن بارباب رجوع و امثال

(۱) رجوع شود بکتاب سیاست صفحات ۱۲۹ و ۱۳۴ فصل ۶

(۲) Method

(۳) Symbols

(۴) Ideologies

(۵) ژست‌ها Gestures

آن) برگزیده مردم سوار شده کار و مالیات و تمجید و تحسین و خون از توده ها اخذ مینماید (۱)

(دوم) شدت عمل و سرسختی : (۲)

گوید: شدت عمل و سرسختی و تجاوز وسیله بزرگ حمله طبقه زبده است بدیگران و به مخالفین و هم وسیله دفاع طبقه زبده از خود میباشد. شدت عمل اشکال مختلف دارد از آنجمله است نگاهداری سپاه و لشکرهای ثابت و دائمی و تهیه قوای مسلح که این خود از وسائل مهم حفظ طبقه زبده و دلیل بر شدت عمل و سرسختی این طبقه است نسبت به مردم تحت حکومت زبده. و بطول کلی وجود اینهمه سپاه در کشورهای دنیا خود اهمیت شدت عمل و روح تجاوز را در روش طبقه زبده و در مسئله سیاست بخوبی نشان میدهد (۳)

(سوم) امتعه یا اجناس : (۴)

جزء سوم از روش طبقه زبده را لاسول امتعه یا اجناس نام گذاشته و گوید « امتعه و اجناس این طبقه زیاد و متعدد است و از این قبیل است خرابکاری یا سابوتاژ (۵)، اعتصاب (۶)، تحریم یا بایکوت (۷) :

(۱) کتاب سیاست صفحه ۲۹ فصل ۲	
Violence	(۲)
(۳) کتاب سیاست صفحه ۵۲ فصل ۳	
Goods	(۴)
Sabotage	(۵)
Strike	(۶)
Boycott	(۷)

قرار دادن نام مخالفین در فهرست سیاه (۱) ، عدم همکاری (۲) ،
 جیره بندی (۳) ، قیمت بندی و نظارت در قیمت ها (۴) ، رشوه (۵)
 و امثال آن استعمال این وسائل از طرف طبقه زبده یکی از سه
 شکل را میگیرد :

(الف) خرابکاری

(ب) منع .

(ج) سهم بندی و تسهیم و توزیع « (۶)

(چهارم) عملیات و طرز عمل : (۷)

گویند: « صعود هر فرد از طبقه زبده یا حاکمه تا درجه ای متوسط است
 به طرز عمل وی و موفقیت عملیاتی که آنرا برای پیشرفت خود میگزینند ،
 مسائلی که در جزء عملیات طبقه زبده قرار میگیرد عبارت است از : فن
 ۱۵۱ ره (۸) ، فن تشکیلات (۹) ، خط مشی و سیاستی که پیش میگیرد
 (۱۰) و همچنین عملیات شامل حارز تربیت و تهیه افراد برای طبقه

Black list	(۱)
Non-cooperation	(۲)
Rationing	(۳)
Pricing	(۴)
Bribe	(۵)
	(۶) کتاب سیاست صفحه ۷۶ فصل ۴
Practices	(۷)
Administration	(۸)
Organization	(۹)
Policy	(۱۰)

حاکمه (یعنی بدست گرفتن فرهنگ و آموزشگاهها و کنترل آن) نیز میباشد. قانون اساسی و مشروطیت اعم از مکتوب یا غیر مکتوب نیز متضمن دستور عملیاتی است که طبقه زبده آنرا برای حفظ نظم حکومت و نظم اجتماع برای خود انتخاب کرده است ، (۱)

(ج) انقلاب :

لاسل انقلاب را به تغییر ناگهانی در ترکیب طبقه حاکمه و زبده معنی میکند و انقلاب جهانی را توأم با تغییر ناگهانی در فرهنگ و لغات و اصطلاحات طبقه حاکمه میداند (۲) . انقلاب روسیه را با انقلاب آلمان نازی و انقلاب ایتالی فاشیسم هر سه از یک نوع شمرده و هدف هر سه را یک چیز میداند .

طبقه (۳) را چنین تعریف میکند که عبارت است از یک گروه اجتماعی که دارای وظائف متشابه و حالت اجتماعی متشابه و وضعیت متشابه و منظره متشابه باشند .

لاسل در بحث راجع به خصائص طبقه مشترک زبده و اصول روش این طبقه که برای نمو خود و حفظ قدرت و اتوریته خود بکار میبرد همه کشورهای جهان و تمام اعصار و قرون را تابع یک سلسله اصول کلی دانسته و نتایج حکومت زبده را در تمام ممالک جهان و جماعات مختلف عالم یکسان میداند . مثلاً کشورهای متحده آمریکا و کشورهای دیکتاتوری جهان و هم آلمان و ایتالی فاشیسم و روسیه کمونیسم همه را از لحاظ مزبور یعنی روش

(۱) کتاب سیاست صفحه ۱۰۳ فصل ۵

(۲) کتاب مزبور صفحات ۱۵۴ و ۱۵۵ فصل ۷

وخصائص مشترکه طبقه زبده از حیث اصول در یک سطح قرار میدهد و همه را تابع یک سلسله اصول کلی می‌شمارد که در فوق بدان اشاره شد. و بالحنی طعن آمیز می‌گوید: « روش و اصول در همه جا یکی است » یعنی « بهر کجا نگری آسمان همین رنگ است » از جمله آنکه وی فرقی بین طبقه زبده امریکا با طبقه زبده جماهیر شوروی قائل نبوده و می‌گوید « کلمات و اصطلاحات تبعه ، میهن پرست ، امریکائی عموماً اصطلاحاتی است که عوام فریبان طبقه متوسط از پشت پرده ای که در آنجا بدست صاحبان منافع بزرگ صنعتی یا بازرگانی یا مالی اداره میشود بکار می‌برند » مثلاً لاسول روزولت و جورج واشنگتن (مؤسس و اولین رئیس جمهوری کشورهای متحده امریکا) را با هیتلر و موسولینی و استالین در یک ردیف قرار داده همه را تابع اصول کلی فلسفه خویش می‌شمارد و می‌گوید: « تنها اصطلاحاتی که این اشخاص بکار می‌برند بایکدیگر تفاوت دارد » (۱)

(د) فاشیسم در امریکا :

لاسول در تحلیل فاشیسم نیز بحث نموده و معتقد است که کشورهای متحده امریکا در سیر تاریخ خود نیز مانند آلمان و ایتالیا از یک دوره فاشیسم رومانتیک خواهد گذشت و موجود این فاشیسم اعتصابات است و محرك این اعتصابات را طبقه متوسط ناراضی میدانند که بسبب احتیاج و از راه ناچاری آلت دست معامله گران بزرگ و سرمایه داران و طبقه اشراف قرار گرفته و طبقه مزبور از پشت پرده بدست این طبقه بورژوا محرك و سلسله جنابان این نهضت فاشیسم خواهند بود .

گوید : « ابتدا مانند آلمان سرمایه داران حفظ میشوند ولی در

صورت لزوم برای تشکیل يك ملت متحد سرمایه داری شخصی در تحت اداره حكومت های نظامی، مبدل به کاپیتالیسمی میشود که خاص فاشیسم است و نهضتی بطرف سه اصل فاشیسم بوجود خواهد آمد که عبارت است از :

تساوی تقریبی سرمایه (۱) و دولتی شدن حیات اجتماعی و امور کشور و جامعه (۲) و انحصار مشروعیت در دست دولت (۳). « و بعد گوید: « منشاء این جنبش مخالفت سرمایه داران و طبقه متوسط است با کمونیسم و افراطیون (۴) و انقلابیون در حالیکه عمال متشکل معامله گران و مالیه چپ های بزرگ (۵) از پشت پرده آنرا اداره میکنند. ولی همینقدر که اختیار بالطبع بدست نظامیان افتاد و حکومت نظامی و میلیتاریسم در دستگاه دولت تفوق یافت ظهور فاشیسم حتمی است و دیگر اختیار از دست محرکین واقعه یعنی معامله گران و طبقه متوسط خارج میشود »

لاسول راه جلوگیری از ظهور چنین فاشیسم را هم در امریکا بدست داده و گوید :

« راه جلوگیری از وقوع چنین واقعه و ظهور چنین دوره در امریکا آن است که طبقه متوسط را از زنجیر و قید اتکاء به معامله گران آزاد سازیم و ایشان را مستقل و متکی بنفس خویشتن قرار دهیم. » (۶)

Equalization Of Capitals (۱)

Governmentalization (۲)

Monopolization of legality (۳)

(۴) رادیکال ها

(۵) فینانسیه ها

(۶) کتاب سیاست صفحات ۲۴۰ و ۲۴۱ فصل ۱۰ و جزء چهارم صفحه ۲۴۰

(۵) سیاست جهانی و اوضاع بین المللی

لاسول در کتاب « سیاست جهانی و فقدان امنیت شخصی » سیاست جهان و اوضاع بین المللی را از زاویه دیگر نگریسته و منظره ای دیگر از آن می بیند که آنرا به « فقدان امنیت شخصی » تعریف و معنی میکند. وی مطلب را از اینجا آغاز مینماید که « سرعت در تغییر علائم و شعارها و طرز معرفی این علائم و شعارها نتیجه عدم تأمین طبقه زبده است و عدم تأمین عامل مهم اختلافات و تغییرات و تحولات است »

از آنجا شته سخن را بمسائل بین المللی و روابط بین دولتها کشانیده و فقدان امنیت بین المللی را نیز یکی از ریشه ها و از جمله علل ظهور عدم تأمین شخصی می شمارد .

سپس بحث در علائم و شعارها را نیز بمنطقه امور بین المللی کشانیده میگوید ،

« بزرگسالان علائم و شعارهای مربوط به ارزشها را بحوزه کودکان نیز وارد کرده اند . »

در توضیح اینکه چگونه فقدان امنیت بین المللی موجب فقدان امنیت شخصی گردیده و این مطلب بصورتی مبالغه آمیز باطفال هم تلقین میشود مثالی از لائمی کودکان معمول در کشور انگلستان در دوره ناپلئون و هنگامیکه انگلستان در معرض تهدید حمله ناپلئون قرار گرفته بود آورده که در این لائمی، انگلیسها بناپارت را به نامی شبیه لولو خرخره نامیده و کودکان گهواره نشین را میترسانیدند که اگر فریاد کنی و بخواب نروی این دیو، این عفریت و این لولو خرخره یعنی بناپارت خواهد آمد و آنچنان که گربه

موش را بدرد تورا از سر تا پا بدو نیمه خواهد کرد. (۱) ترجمه تحت اللفظی این لایمی که عیناً در کتاب لاسول آمده چنین است:

« كودك ! كودك ! ای كودك نافرمان !

هیس (یعنی بیصدا) ای بچه شیطان ، تورا آگاه میکنم ،

هیس ! فریاد مکن و گرنه ،

بناپارت ممکن است از این راه گذر کنید »

« كودك ! كودك ! وی عفریتی است ،

بلند و سیاه چون مناره مهیب کلیسا ،

خوراك وی ، نهار و شام ،

همه روزه از گوشت بچه های شیطان است ، »

« كودك ! كودك ! وی صدای تورا ،

در هنگام عبور از خانه میشنود ،

و تورا دریده و بدو پاره خواهد کرد

همانطور که گربه موش را میدرد ! »

لاسول در این کتاب که در سال ۱۹۳۵ نوشته شده جنک دوم جهانی را که در ۱۹۳۹ آغاز گردید پیشگویی نموده و وقوع آنرا مسلم شمرده است (۲) و علاج دردهای مردم جهان را در وحدت جهان و تشکیل حکومت واحد عالم میداند . وی عنوان مطلب فوق را « در جستجوی يك

(۱) کتاب « سیاست جهانی و فقدان امنیت شخصی » صفحه ۱۶۷ فصل ۸

(۲) کتاب « سیاست جهانی و فقدان امنیت شخصی » صفحات ۲۱۴ و ۲۲۲ و ۲۳۱

و ۲۳۲ فصل ۱۰ و صفحات ۲۸۴ و ۲۸۵ فصل ۱۱

فسانه» قرار داده ولی همچون آ و آرهای که در تاریکی مشکلات سیاسی عالم غوطه ور گردیده و ناپدید شود بتوانسته است بطور وضوح این غایت ارزوی خود را تبیین کند و طریق عملی آنرا ارائه نماید و بدین واسطه تقریباً کتاب خود را بابدینی نسبت باوضاع جهان بشری خاتمه میدهد.

(و) توجه ماتریالیسم دیالکتیک در نظر لاسول

لاسول این اصطلاح را در کتاب سیاست بطریق زیر تعریف میکند :

« ماتریالیسم دیالکتیک عبارت است از مطالعه ترجیحات خصوصی در تاریخ جهانی و ترفیع الهامات شخصی در مورد احتیاجات عالم بشری و ریختن اوضاع عالم در قالب میل و آرزو و اكمال نفس ناقص خویشتن بوسیله ترکیب علایق نفس باشعارهای کل جامعه و در هیچ زمان در طی تاریخ رقابت در سمبولیسم (یعنی نمایش بوسیله علامت و اشارات ۱) و اجبار و الزام در متشکل کردن شعارها تا این پایه نرسیده است »

لاسول در توضیح فوق در باب سمبولیسم ظاهر آنظر به فرضیه نژادی ناسیونال سوسیالیسم آلمان داشته چنانکه پیشوارا در فاشیسم بمنزله برده سینما تعبیر میکند که افراد تخیلات و رؤیاهای ناشی از خود پرستی را (۲) بزرك کرده بر روی آن صفحه و پرده منعکس میکنند (۳) یعنی بزرك پنداشتن پیشوا و او را مافوق افراد بشری شمردن در حقیقت نتیجه خود پرستی یا گوئیسم خود فرد است و فرد غریزه خود پرستی خود را در معنی

Symbolism (۱)

Egoism (۲)

Projection (۳)

در وجود پیشوا منعکس میکند و وقتیکه درباره پیشوا فکر میکند در عالم خیال خود را در قالب صورت و شکل پیشوا در نزد خود مجسم میسازد. بدین طریق فردی کوچک را بعنوان پیشوا بر ضد قماربازان سیاسی (۱) و خرابکاران (۲) و مارکسیست‌ها برانگیخته او را تامة الوهیت بالامی برند و بامید فتح مشترك دريك نهضت بزرگ مدام او را به پیش میرانند.

(ز) افسانه

لاسول در قسمتی از کتاب «سیاست جهان و فقدان امنیت شخص» که عنوان آن نظارت (کنترل) میباشد فصلی را تحت عنوان «در جستجوی يك افسانه» آغاز نموده. افسانه (۳) را چنین تبیین می‌کند که قادر است به تنهایی ایجاد صلح و آرامش کند بدین طریق که برای هر فرد تعیین وظیفه نماید و فرد بوسیله آن وظیفه عزیزه احترام به خویشتن را در وجود خود تقویت کند.

بدیهی است که تقویت این غریزه بر حرمت وی در انظار میفزاید و انتظار طغیان و تجاوز از طرف همسایه یا دسته از همسایگان در وی تخفیف یافته روح او تسکین می‌یابد و چون فرد از این حیث تسکین خاطر حاصل نمود مسلم است که صلح و آرامش تأمین می‌شود ولی افسانه نمیتواند مؤثر باشد مگر آنکه اسباب و عللی که ریشه عدم رضایت افراد میباشد از میان برداشته شود. آنگاه لاسول به ذکر این اسباب و علل پرداخته و هم در این باره بحث میکند تا معلوم نماید دیکتاتوری متمرکز بِنفع کیست و کدام

Speculators (۱)

Saboteurs (۲)

Myth (۳)

طبقه از آن منتفع میشوند و در این باره چنین گوید:

« بینیم در دیکتاتوری متمرکزی که در حال تحول و تغییر بطرف دولت سوسیالیستی است که نفع میبرد؛ پاسخ این پرسش آن است که طبقه هو شمند یعنی آنهاست که برای تحصیل فن (تکنیک) زحمت کشیده و کف نفس میکنند. در دولت دیکتاتوری سوسیالیستی (که آنرا با سوسیالیست فرضی و ادعائی یعنی جامعه کمونیست فرق میگذارد) اگر چه تحصیل عایدات نقدی زیاد را به مالیهچی ها و کارخانه داران و بازرگانان و مالکین اراضی اجازه نمیدهند مع هذا در مورد اختلاف اجزای مادی و نقدی انعامات نموده و سخت گیری روان میدارند یعنی اصرار در تساوی اموال افراد مردم ندارند و اختلاف درجه تمول و عایدی را تا درجه ای اجازه میدهند. از اینجا استنباط میشود که غایت آمال سوسیالیسم در حقیقت همان غایت آمال بورژوازی طبقه دوم است (۱) که از خشم طبقه مزبور نسبت بتحریفی که سرمایه دار در تفسیر روابط بین اجر (مزد) و کف نفس نموده است ناشی شده و این حالت در پیشرفت پلوتوکراسی به چشم گردیده است

طبقه رنجبر واقعی (۲) بمنظور پیشرفت در تخصص فنی و افزایش هوش فنی افراد خود کف نفس نمیکند و سازش نمینمایند این انقلاب ثانوی بورژوازی که بنام پرولتاریا انجام شده است فعلا مرحله کشمکش طبقاتی را در روسیه حذف کرده. زحمت کشانی که بادت کار میکنند و کار آنها مستلزم بکار بردن

(۱) طبقه بورژوا یا اواسط اناس یا طبقه متوسط را در فلسفه سیاسی زمان معاصر بدو دسته تقسیم میکنند یکی طبقه اول آنها که صاحب قدری ثروت هستند و لذا متمایل بطبقه سرمایه دار خوانده میشوند دیگر طبقه دوم آنها که ثروتشان قلیل است یا ثروتی ندارند و بسختی زحمتی میکنند و لذا متمایل بطبقه فقیر و توده محسوب میگردند

(۲) پرولتاریا

هوش قلیل میباشد کمان نیروود و امیدى نیست که در آینده متحدشوند و عملی بصورت دسته جمعی انجام دهند. و باعاده يك نوع رابطه بین کف نفس (بمنظور تقویت هوش و هنرمندی و تخصص فنی) و اجر یا مزد بطوریکه بیشتر بر اساس انصاف باشد و نیز بوسیله ازمیان بردن اریستوکراسی و پلوتوکراسی ، کشمکش طبقاتی بین دستجاتی که از حیث هوش صنعتی و درجه هنرمندی فنی اختلاف دارند بتدریج آشکار می شود و این مبارزه درصفاً مقدم صحنه مبارزات قرار خواهد گرفت.

گوید: «همان موقعیتی را که سابقاً مالکین و کشیش ها داشتند اکنون در کشور های دموکراسی بازرگانان و کارخانه داران و مالیه چى ها و مهندسين و صنعتگران (۱) و پيشه وران (۲) و تکنوکراتها (۳) یعنی طرفداران حکومت اشخاص فنی و صاحبان تکنیک که آنها را تکنیسین ۴ گویند) و همچنین گردانندگان احزاب سیاسی دارند که هر ام حزبی خود را شبیه يك نوع عقیده از فرقه های مذهبی سابق و بهمان اهمیت جلوه میدهند .»

لاصول سپس ظهور دوره دیگری را پیش بینی میکند که دستجاتی دیگر جانشین دستجات فعلی میشوند و میگوید دوره حاضر هر چند در متن دوره تحول و سیر عقاید در باب سیاست خارجی و امپریالیسم مالی واقع شده معیناً شاهد تبدیل این دسته دوم بدسته سوم نیز خواهد بود و معتقد

(۱) آرتیزانها Artisans

(۲) پروفسیونلها

(۳) Technocrat و عقیده بحکومت اشخاص فنی را مساک تکنوکراسی

Technocracy نامند

Technicians

(۴)

است که در همین زمان دسته سوم جانشین دسته دوم خواهد شد همانطور که انقلاب فرانسه و قانون اصلاحات انگلیس مصوب سال ۱۸۳۲ (۱) ناظر قرار گرفتن دسته دوم بجای دسته اول بود .

(ح) موضوع طبقه زحمت گشان ورنجبران (۲)

لا سول در مورد این طبقه و در تعریف و رابطه دو اصطلاح کف نفس « یا فداکاری » و اجر مینویسد :

« استعمال اصطلاح پرولتاریا يك نوع تعمیم مبالغه آمیز و نتیجه اعتراض دستجات هوشمند صاحب عایدی متوسط بود بر ضد نتایج دوره صنعتی جدید (گوید : مارکس نیز از این دسته بوژوای هوشمند بود) و بدین دلیل استعمال این اصطلاح تعمیمی مبالغه آمیز از اعتراض بوژوای هوشمند بود که میگفتند طبقه زحمت کش ورنجبر یا پرولتاریای واقعی و اجد هنری که مستلزم هوش و تقویت هوش باشد نیست . تقویت هوش و کسب هوشمندی کف نفس و فداکاری لازم دارد و زحمت دارد و طبقه رنجبر واقعی تحصیل هوشمندی و هنر کف نفس نکرده کف نفس (۳) برای تحصیل هنری که از لحاظ اجتماعی مفید باشد موجود اولین دعوی صاحب هنر است نسبت به مزد و اجر اجتماعی (۴) »

بعقیده منتقدین عقیده پروسور لا سول وی ظاهر آدر اینجاست واقعیت و خصوصیتی را که در وراء افسانه مساوات انسان قرار دارد فراموش کرده

(۱) قانون سومیه British Reform Bill

Proletariat (۲)

Sacrifice (۳)

Social Reward (۴)

یا ارزشی قلیل برای آن قائل شده و آن مسئله احساس برادری همه مردم طبقات پائین بایکدیگر است یعنی احساس اینکه از لحاظ خدمت بجامعه و انجام کار و وظیفه اجتماعی و وفاداری نسبت بیک جامعه واحد، وجه مشترک دارند و مساوی اند ولو آنکه خدمت و کار ایشان هم بسیار کوچک باشد و یا از حیث تولد و ارث و نژاد و مذهب مساوی نباشند. و چون این احساس و غریزه در عمل توأم شود با تقاضای اجرتی بعد اقل که کفاف معیشت ایشانرا بنماید و زندگی را قابل تحمل کند، این حس برادری و برابری بیشتر در افراد طبقه زحمت کش احساس میگردد و همین احساس برابری و برادری این افراد کم هوش و کم هنر و همکاری ایشان بایکدیگر است که شرط لازم و اصلی موفقیت هر نوع انقلاب اعم از انقلاب فاشیست یا مارکسیست میگردد. در اینجا نکته قابل ملاحظه همانا تمایل جامعه های معاصر است باینکه بیش از پیش در تحت نظارت دستجات محدود و صاحب انضباطی در آیند که واجد همان خصائص اریستوکراتهای مذهبی سابق هستند و بهمان روش افسانه عمومی و عقاید عامه متوسل گشته اند.

(پنجم) - رابرت مکیور و عقاید سیاسی وی شرح حال و آثار

رابرت موریسون مکیور (۱) استاد فلسفه سیاسی و علم الاجتماع در دانشگاه کلمبیا نیویورک، متولد جزیره لوئیس (۲) اسکاتلند تحصیلات خود را در دانشگاه ادینبار و (۳) اسکاتلند (۱۹۰۳ و ۱۹۱۵) و کالج اوریل (۴) آکسفورد انگلیس (۱۹۰۷) پایان رسانیده و علاوه بر اینکه در سال ۱۹۱۵ موفق باخذ درجه دکترا از دانشگاه ادینبار و گردیده از دانشگاه کلمبیا (۵) نیویورک در سال ۱۹۲۹ و از دانشگاه هاروارد (۶) امریکا در سال ۱۹۳۶ و از دانشگاه پرینستون (۷) امریکا در سال ۱۹۴۷ نیز ناهل باخذ درجه دکترا شد.

وی در سال ۱۹۰۷ بسمت استاد علوم سیاسی در دانشگاه ادینبار (۸) اسکاتلند بتدریس مشغول گشت در آغاز جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۵ اسکاتلند را ترک گفته به کانادا مهاجرت نمود و در آنجا بسمت

(۱) Robert Morrison MacIver مؤلف این کتاب مدت چهار سال از سالهای ۱۹۴۶ تا ۱۹۴۹ میلادی از کلاسهای تدریس و مجامع تحقیق و کنفرانسهای این پروفیسور در دانشگاه کلمبیا نیویورک استفاده کرده است.

Lewis	(۲)
Edinburgh	(۳)
Oriel	(۴)
Columbia	(۵)
Harvard	(۶)
Princeton	(۷)
Aberdeen	(۸)



رابرت مکینور

استاد علوم سیاسی در دانشگاه آورو نتو (۱) بتدریس مشغول گردید و در ۱۹۱۷ سمت نایب رئیس انجمن امور جنگی کانادا را نیز عهده دار بود. در سال ۱۹۲۷ کشور کانادا را ترك گفته در کشورهای متحده امریکا اقامت گزید و در کالج برنارد (۲) (شعبه دانشکده دختران دانشجو در دانشگاه کلمبیا) و از ۱۹۲۹ بعد در دانشکده فلسفه و دانشکده علوم سیاسی دانشگاه کلمبیا نیویورک بسمت استاد علم الاجتماع (سوسیولوژی) و فلسفه سیاسی به تعلیم علوم مزبور اشتغال دارد.

مکیور عضو انجمن فلسفی امریکا و انجمن معتمدین نیوا اسکول (۳) نیویورک، عضو کمیته اجراییه مؤسسه تحقیقات اجتماعی و مذهبی و نیز عضو هیئت مدیره سخن رانی در علوم و فلسفه و مذهب است.

اگرچه شهرت مکیور در حوزه دانشگاه کلمبیا به عالم علم الاجتماع (سوسیولوژیست) است معینا در فلسفه سیاسی نیز صاحب نظر، و اقوال وی مورد توجه میباشد و در این رشته نیز در دانشگاه مزبور تدریس میکنند.

پروفسور مکیور نویسنده چندین کتاب در علم الاجتماع و فلسفه سیاسی و مسائل مختلف سیاسی و اجتماعی است. ذیلا فهرستی از غالب آثار وی ذکر میشود:

« جامعه : يك تحقیق اجتماعی » چاپ لندن سال

۱۹۱۷ (۴)

Toronto	(۱)
Barnard	(۲)
New School	(۳)
Community : A Sociological Study	(۴)

- « کارگر در جهان متغیر » چاپ نیویورک ۱۹۱۹ (۱)
— « اصول علم اجتماعی » چاپ لندن ۱۹۲۱ (۲)
— « دولت عصر جدید » چاپ اکسفورد ۱۹۲۶ (۳)
— « جامعه: بنای آن و تغییرات آن » چاپ ۱۹۳۱ (۴)
— « تجدید بنای اقتصادی » چاپ نیویورک ۱۹۳۴ (۵)
— « لویاتان و مردم » چاپ ۱۹۳۹ (۶)
— « علیت اجتماعی » چاپ ۱۹۴۲ (۷)
— « بسوی صلح پایدار » چاپ ۱۹۴۳ (۸)
— « نسج حکومت » چاپ ۱۹۴۶ (۹)
— « اتحادیهٔ اکمل » چاپ ۱۹۴۸ (۱۰)
— « حصارهاییکه آنها را پاسبانی میکنیم » چاپ ۱۹۵۰ (۱۱)

Labor in the Changing World	(۱)
Elements of Social Science	(۲)
The Modern State	(۳)
Society : Its Structure and Changes	(۴)
Economic Reconstruction	(۵)
Leviathan and the People	(۶)
لویاتان بمعنی حیوان عظیم	
الجته دریائی باعول دریائی است - مکیور در کتب خود دولت را عالم الیومان نام میگدارد	
Social Causation	(۷)
Toward an Abiding Peace	(۸)
The Web of Government	(۹)
The more Perfect Union	(۱۰)
The Ramparts we guard	(۱۱)

- « دموکراسی و مبارزه اقتصادی » چاپ ۱۹۵۲ (۱)
- « آزادی تحقیق و تحصیل علم » (آزادی آکادمیک) (۲)

در زمان ما چاپ ۱۹۵۴

« تبعیض و رفاه ملی » چاپ ۱۹۵۰ (۳)

« گفته های بزرگ در باب حقوق بشر » چاپ ۱۹۵۰ (۴)
مکیوردر کتاب نسج حکومت در باب مبدأ و منشأ دولت و حکومت
و انواع آن و فن حکومت و تغییرات حکومت و ماهیت حکومت تحقیقی
عمیق کرده و چون کتاب مزبور شامل اصول عقاید سیاسی وی و
نظریاتش در مورد اوضاع سیاسی جهان معاصر میباشد کتاب مزبور را
برای تلخیص نظریات سیاسی وی انتخاب کردیم و ذیلاً مختصری از عقاید
وی را از کتاب مزبور خلاصه کرده و ذکر میکنیم :

عقاید سیاسی مکیور :

(الف) در مبدأ حکومت و روش حکومت

و فن حکومت (۵)

در باره منشأ و مبدأ دولت و حکومت هر يك از فلاسفه قدیم و
معاصر بنحوی بحث نموده اند . مکیور در این مورد مطلب را بدین طریق

Democracy and the Economic Challenge	(۱)
Academic Freedom in Our Times	(۲)
Discrimination and National Welfare	(۳)
Great Ex, ressions of Human Rights	(۴)
کتاب نسج حکومت چاپ سوم آوریل ۱۹۴۷ نیویورک	(۵)

آغاز کرده گوید که «يك فرد شخصاً قوی تر از دیگران نیست قدرت حکومت وی را مقتدر و صاحب قدرت میکند و سحر حکومت یا افسانه دولت است که بفرد چنین قدرتی را اعطا میکند که بر دیگران فرمانروایی نماید و وی را عقل و اعلم جلوه دهد .

حتی پاسبان یا افسر پلیس یا سایر مأمورین دولت که افراد را دعوت بمحاکمه یا جلب مینمایند، معلوم نیست عقل و فکر و مزیت ایشان بیش از سایر افراد باشد . پس چیست که افراد را وادار باطاعت از امر ایشان میکند ؟ رمز حکومت و سحر حکومت و قدرت (اتوریته) دولت در همین نکته نهفته است یعنی آنچه که به آن فرد پاسبان قدرت میدهد که بر عده کثیری حکومت کند و امر نماید همانا سحر حکومت است .

مکیور قدرت هجاز (۱) را به قبول عامه معنی میکند

اصل و منشأ حکومت را ابتدا از فتوحات و پیروزیهای جنگ میدانند و میگویند «در آن لمحّه که غالب مغلوب خود را اسیر کرد و بزنجیر آورد و برای استعمار نگاه داشت لحظه ای تاریخی است و ملت و کشور در آن لحظه بوجود آمد و حق و اقتصاد پیدا شد و نطفه حکومت منعقد گردید» (۲)

ولی اسباب و علل اجتماعی دیگر را هم در ظهور حکومت دخیل دانسته و از آن جمله است رضایت عامه یعنی تن دادن مردم باطاعت از حکومت . گویند «حکومت پس از آنکه بازور بر اوضاع مسلط شد مردم نیز بدان تسلیم گردیدند و این تسلیم و رضایت مردم نیز شرط اصلی بقای هر حکومت است و مگر نه آن حکومت باقی نمیماند . رضایت

(۱) انورته Authority

(۲) «سج حکومت» صفحه ۱۵

مردم موجد قدرت مجاز . و قدرت مجاز تکیه گاه زور و نیروی حکومت است .

افسانه و فن : (۱)

افسانه (۲) و فن (۳) را دو عامل دیگر در امر حکومت دانسته و معتقد است که این دو عنصر نقش مهم را در امر حکومت عهده دار هستند . گوید قدرت مجاز نیز در مرتبه خود متکی به افسانه است یعنی افسانه تکیه گاه قدرت مجاز نیز میباشد و گرنه قدرت مجاز نیز عبارت میشود از زور یا نیروئی بی حاصل و مخرب و بی دوام مکیور ریشه اصلی حکومت را در رابطه بین انسان با انسان جستجو کرده و میگوید :

« حکومت یکی از مظاهر اجتماع و یکی از مؤسسات اجتماعی است ولی در میان انواع بسیار از مؤسسات اجتماعی از همه وسیع تر و بزرگتر و مقتدرتر و مؤثرتر است و در درجه اول قرار دارد . هر جا که بشر زندگی میکند و در هر سطح از زندگی که قرار گرفته باشد یک نوع نظم اجتماعی و یک نوع حکومت در آنجا و در آن سطح موجود است . خانواده نمونه اصلی و کوچکی از جامعه است که ریشه و مبدأ حکومت در آن نیز دیده میشود . »

تشریفات و شعارها (۴)

تشریفات (۵) و شعارها (۶) بعقیده وی دو دیگر از ابداعات

	(۱) « نسج حکومت » صفحات ۴-۵
Myth	(۲)
Technique	(۳)
	(۴) « نسج حکومت » صفحه ۴۵
Ceremonies	(۵)
Symbols	(۶)

حکومت است که در بقا و دوام حکومت نقش مؤثر بازی کرده و گوید :
 « این تشریفات و شعارها در کلیه تمدنهای اعم از قدیم و جدید از هر منطقی
 نافذ تر و مؤثر تر بوده زیرا مردم قادر به رد کردن آنها نبوده و چون بدان
 عادت کرده اند در مورد آنها دیگر بعقل و منطق رجوع نمیکنند و چون
 یکدسته از شعارها و تشریفات از میان برود حکومت بفوریت دسته دیگری
 از شعارها و تشریفات تازه را ساخته و پرداخته ، در جای آن قرار میدهد
 و بدین طریق تشریفات و شعارها را عناصر لا ینفک حکومت بر اجتماع می شمارد
 میگوید : « تشریفات ، بین مردم و هیئت حاکمه یا زمامدار ایجاد حریم
 میکند و وجود تشریفات در هر جا که باشد نشانی وجود قدرت (اتوریته)
 است در آنجا . »

(ب) در بیان قانون و مسئله اطاعت از قانون (۱)

قانون : بعقیده وی « قانون لازم و موجد نظم و ترتیب در جامعه
 بشری ، و نظم شرط اول زندگی اجتماعی یعنی بسر بردن افراد آدمی با
 یکدیگر است . »

اطاعت از قانون :

در باب اطاعت از قانون برخلاف عقیده افلاطون که آنرا در هر حال
 و بلا شرط واجب و وظیفه افراد دانسته است ، بعقیده مکیور « اطاعت از
 قانون ارجح است نسبت بعدم اطاعت از قانون ، بجز هنگامیکه بنا بقضاوت
 فرد عدم اطاعت از قانون معین ، ارزشی بیشتر بجامعه دهد و موجب ترقی
 جامعه گردد و نافرمانی فرد تبعه متضمن خیر و صلاح بیشتری برای
 اجتماع باشد »

(۱) «سج حکومت» صفحات ۴۷ و ۴۸ و صفحات ۷۳ - ۸۱